

جمله

ما برای ارتباط با خود و دیگران نیازمندیم که حرف بزنیم ، بنویسیم و درد دل کنیم. سخن ما پر از جمله هایی است که یا به تنهایی یا به هم پیوسته ، حرف دل و خواسته ما می رساند. در واقع ، جمله از یک یا چند کلمه یا واژه درست شده است:

آفرین (یک جمله یک کلمه ای) آخ (یک جمله یک کلمه ای) سعید= (ای سعید) (یک جمله یک کلمه ای)

گاهی یک جمله از چند واژه درست می شود:

بهار می آید. سعید کتاب می خواند. بیست، نمره ای دل چسب برای دانش آموزان ممتاز است.

به متن یا عبارت زیر توجه کنید:

« رابطه و رفتار ما با خود، خانواده و دوستان، بسیار مهم است. چون شخصیت ما را شکل می دهد. دوستی خوب است که گفتارش درست و رفتارش پسندیده باشد در دلش مهربانی موج بزند و از چهره و نگاهش امیدواری و نشاط بجوشد. دوست خوب کیمیا است ».

این نوشته از این قسمت ها درست شده است:

۱- رابطه و رفتار ما با خود، خانواده و دوستان، بسیار مهم است.

۲- چون شخصیت ما را شکل می دهد. دوستی خوب است

۳- که گفتارش درست و رفتارش پسندیده باشد

۴- در دلش مهربانی موج بزند

۵- و از چهره و نگاهش امیدواری و نشاط بجوشد.

۶ - دوست خوب کیمیا است.

هر کدام از این جمله ها نیز از قسمت هایی به نام « واژه » ساخته شده است:

دوست خوب کیمیا است = دوست + - + خوب + کیمیا + است

این جمله از چند واژه ساخته شده است که پیام « خوب بودن و بالارزش بودن دوست » را به ما می رساند.

حالا به عبارت زیر توجه کنید:

« پدر را گفتم : از اینان یکی سر بر نمی دارد که دوگانه ای بگزارد. چنان خواب غفلت برده اند که گویی نخفته اند که مرده اند.

گفت : جان پدر، تو نیز اگر بخفتی ، به از آن که در پوستین خلق افتی. »

در عباراتی چنان که به دلیل ساختار کهنگی زبان و یا به دلیل ادبی بودن یا نظم و شعر که نظم جمله را بر هم می خورد در این مواقع باید عبارت را بازگردانی نمود:

« به پدر گفتم: از این ها یکی بیدار نمی شود که دو رکعت نماز به جا آورد. چنان غافلانه خوابیده اند که مثل این که نخوابیده اند بلکه مرده اند.

گفت : جان پدر، تو نیز اگر می بخوابی، بهتر است از آن که غیبت کنی. »

تعداد جمله ها:

۱- به پدر گفتم

۲- از این ها یکی بیدار نمی شود

۳- که دو رکعت نماز به جا آورد.

۴- چنان غافلانه خوابیده اند

۵- که مثل این که نخوابیده اند

۶- بلکه مرده اند.

۷- گفت :

۸- جان پدر،

۹- تو نیز اگر می بخوابی،

۱۰- بهتر است

۱۱- از آن که غیبت کنی.

اگر در این جمله ها دقت کنید، می بینید که برخی از جمله ها فعل ندارند، پس در شمارش تعداد جمله ها مقوله ای دیگر نیز وجود دارد:

۱- گاهی برخی از اجزای جمله به خصوص فعل به قرینه حذف می شود.

هوا سرد بود و دل من گرم (بود)

سعید پرسید کجایی؟ گفتم: مدرسه. (هستم)

از او پرسیدم آیا برای امتحان آماده ای؟ گفت بلی (برای امتحان آماده ام.)

۲- منادا، شبه جمله، اصوات هم جمله اند:

خدایا، به به، آفرین، اوف، سلام

۳- جمله های بی فعل یا استثنایی:

شب خوش. صبح به خیر. توقف ممنوع. علم یعنی دانایی.

به ابیات زیر توجه کنید:

« تا توانی پیش کس مگشای راز بر کسی این در مکن زنهار باز

گورخانه ای راز تو چون دل شود آن مرادت زودتر حاصل شود

دانه ها چون در زمین پنهان شود سر آن سرسبزی بستان شود

گفت پیغمبر که هر که سر نهفت زود گردد با مراد خویش جفت »

پس ابتدا بازگردانی :

تا می توانی پیش کسی راز را آشکار نکن زنهار، برکسی در راز را باز نکن. (۴ جمله، زنهار شبه جمله)

چون دل گورخانه راز تو شود آن مراد و هدف زودتر حاصل می شود. (۲ جمله)

دانه ها چون در زمین پنهان شود سر آن (باعث) سرسبزی بستان می شود. (۲ جمله)

پیغمبر گفت: هر که سرش را پنهان کرد زود با هدفش جفت می شود. (۳ جمله)